

گفت‌وگو با پسری جوان که با حمله مرد شرور دستش قطع شد

فقط قصاص دست می‌خواهم



دستش در یک درگیری ناگهانی و بدون هیچ کینه قدیمی قطع شد. گرچه دست پسر جوان پیوند زده شد اما پیوند خوب از آب در نیامد و دکترها حکم به قطع دست از جایی که یک بار قطع شده بود، دادند. حالا در اوج جوانی به‌خاطر کاری که نکرده باید تا آخر عمر با یک دست زندگی کند. پسر جوانی که با خودش آرزو می‌کند ای‌کاش آن شب در آن محل حضور نداشتم. عامل اصلی این حادثه تلخ و همدستانش بلافاصله توسط پلیس دستگیر شدند. گرچه متهمان در مراحل تحقیقات هر کدام جرم‌رابه گردن دیگری می‌انداختند اما در بررسی‌های پلیسی، متهم اصلی شناسایی شده است. این هفته سراغ قربانی جرم‌رفته و پای درد دل‌های او نشستیم.

هلیا نصرتی

تپش

تا آنجایی که می‌دانم دستت پیوند شده بود؟

بله، اما پیوند نگرفت و مجبور به قطع دستم از بالای مچ شدم.

متهم می‌گفت حاضر است تمام هزینه‌های درمان و دیه‌ات را پرداخت کند؟

هیچ پولی برای من، دستم نمی‌شود. من تا آخر عمرم با یک دست باید زندگی کنم و خواهان قصاص دست متهم هستم.

چه زمانی این اتفاق افتاد؟

اوایل آبان‌ماه بود که حادثه برای من رخ داد و هنوز هم در شوک آن هستم و باورم نمی‌شود.

از آن شب بگو؟

آن شب همراه برادرم، راهی خانه دوست‌برادرم در خیابان دماوند شدیم. برادرم مقابل در ایستاده بود و من برای خرید او را ترک کردم. چند دقیقه‌ای طول نکشید که هنگام برگشت دیدم چند مرد سراغ برادرم آمده‌اند و به او می‌گفتند برای چی اینجا ایستاده‌ای؟ و بعد از آن هم درگیری بین برادرم

واقعا نمی‌دانم اما می‌دانم که متهم اصلی پرونده از ارادل و اوباش است و مدام برای دیگران کری‌خوانی می‌کند. من کشتی‌گیرم اما الان با یک دست هیچ کاری نمی‌توانم انجام دهم.

اما متهم اصلی پرونده منکر است و می‌گوید او قمه را زده است؟

خودش بود و به اشتباه که یک نفر را گناهکار معرفی نمی‌کنم. او با قمه‌ای که در دست داشت به من حمله کرد.

جنایت بعد از آزادی

قتل مرد مسافربر توسط زوج تبه‌کار خاطره یکی از کارآگاهان پلیس آگاهی غرب استان تهران است

خاطره جنایی

بعد از کشتن پدرم، خودروی پراید او سرقت شده و احتمال می‌دهم انگیزه قتل او سرقت باشد. خودروی مقتول تنها سرنخ ما برای کشف راز این جنایت بود، به همین خاطر شماره پلاک آن را در سیستم ثبت کردیم که مشخص شد، یک روز بعد از قتل خودرو در شهر دیگری پیدا شده بود.

با پلیس آن شهر تماس گرفتم که ماموران گفتند، خودروی پراید در کنار خیابانی پارک بوده و مردی برای بردن آن سراغش آمده بود. اهالی به رفتار او مشکوک شده و سد راهش می‌شوند که او با رها کردن خودرو فرار می‌کند.

تحقیقات را روی این مرد متمرکز کرده و او را در غرب کشور شناسایی کرده و دستگیر کردیم. متهم در جریان تحقیقات به قتل اعتراف کرد و گفت: چند روز قبل از جنایت به اتهام سرقت تلفن همراه دستگیر شده و با سپردن وثیقه آزاد شدم. پس از آزادی به اتفاق همسرم تصمیم به زورگیری گرفتیم. به همین خاطر خودرو پراید را به مقصد جنوب تهران به صورت درستی کرایه کردیم. طبق نقشه در میانه راه من خودم را به خواب زدم همسرم نیز مشغول حرف زدن با راننده شد. پس از دقایقی از خواب بیدار شده و با همسرم دعوی صوری راه انداختم. در بزرگراه، راننده خودرو را نگه داشت تا موضوع را برای من توضیح دهد. همان موقع همسرم طنابی را از پشت سر دور گردنش انداخت و هر دو طناب را کشیدیم. بعد

من با سنگ و همسرم با کارد چند ضربه به او زدیم. پس از قتل جسد او را در کنار اتوبان انداخته و با سرقت پول و گوشی تلفن همراه مقتول فرار کردیم. خودرو را هم در کنار خیابان رها کردیم، اما روز بعد وقتی می‌خواستیم آن را بردارم اهالی به ما جرم مشکوک شده و مجبور به فرار شدم.

پس از این اعتراف، همسر متهم نیز دستگیر شد و به همراهی در این سرقت مرکبار اعتراف کرد.

چند سال قبل در یکی از شهرهای اطراف تهران مشغول به خدمت بودم که سحرگاه یک روز زمستانی کشف جسد مردی میانسال گزارش شد و راهی محل کشف جسد شدیم. بررسی جسد نشان داد، مرد ناشناس با اصابت ضربه‌های چاقو به بدنش به قتل رسیده است. در اطراف جسد نیز یک تکه طناب و تخته‌سنگی خون‌آلود پیدا شد. بررسی‌های محل جنایت نشان می‌داد، عامل یا عاملان جنایت مرد ناشناس را در محل دیگری به قتل رسانده و جسدش را به آنجا منتقل کرده‌اند. در ادامه با توجه به این که هیچ سرنخی در محل حادثه وجود نداشت جسد با دستور بازپرس جنایی برای شناسایی هویت مقتول و علت اصلی مرگ به پزشکی قانونی منتقل شد.

چهار ماه از کشف جسد گذشته بود و هیچ ردی در دست نبود تا این که مرد جوانی با مراجعه به اداره آگاهی از ناپدید شدن مرموز پدرش خبر داد. وی اظهار داشت: ما ساکن تهران هستیم. پدرم با خودروی پرایدش مسافرکشی می‌کرد. چهار ماه قبل برای کار از خانه خارج شد و دیگر بازنگشت. در این مدت خیلی به دنبال او گشتیم تا این که به ما گفتند جسدی با مشخصات پدرم در این شهر پیدا شده است. به همین خاطر من برای بررسی این موضوع به اینجا آمدم. مرد جوان را به پزشکی قانونی فرستادم که با دیدن عکس‌های جسد پدرش را شناخت و گفت:

مسافربرها دقت کنند

راز این جنایت بعد از چهار ماه فاش شد و خون مقتول پایمال نشد، اما ما همچنان شاهد قتل راننده‌های مسافربر هستیم که قربانی طمع سارقان مسافرنا می‌شوند. بارها پلیس در این باره هشدار داده و از رانندگان خواسته هنگام سوار کردن مسافران به خصوص مسافران درستی دقت داشته باشند تا در دام دزدان گرفتار نشوند. این مجرمان برای این که طعمه را فریب دهند، اغلب پیشنهادهای وسوسه‌کننده‌ای را مطرح می‌کنند و کرایه‌ای بیش از مبلغ معمول مطرح می‌کنند. برخی از آنها هم برای اعتمادسازی زنی را با خود همراه می‌کنند.

کلیک

هنگام سوار کردن مسافران به خصوص مسافران درستی دقت داشته باشند تا در دام دزدان گرفتار نشوند. این مجرمان برای این که طعمه را فریب دهند، اغلب پیشنهادهای وسوسه‌کننده‌ای را مطرح می‌کنند و کرایه‌ای بیش از مبلغ معمول مطرح می‌کنند

کلیک